

۵۴۲۷۷۱

دوره پیشرفته حقوق عمومی
مکاتب فلسفی_کلامی حقوق عمومی
(۱)

کمال گرایی و بی طرفی

و آثار آن در ساختار قدرت و حقوق عمومی

مؤلفان:

دکتر حسین رحمت الهی

دانشیار دانشگاه تهران

دکتر امید میرزاد

پژوهشگر و مدرس دانشگاه



مجمع علمی و فرهنگی مجد

سرشناسه	: رحمت‌الهی، حسین،
عنوان و نام پدیدآور	: کمال‌گرایی و بی‌طرفی و آثار آن در ساختار قدرت و حقوق عمومی / تالیف حسین رحمت‌الهی، امید شیرزاد.
مشخصات نشر	: تهران: مجد، ۱۳۹۶.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۱۹۳-۸۲۹-۰
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
موضوع	: کمال‌گرایی
موضوع	: (Perfectionism (Personality trait
موضوع	: بی‌طرفی
موضوع	: Neutrality
موضوع	: حقوق عمومی -- راهنمای آموزشی (عالی)
موضوع	: (Public law -- Study and teaching (Higher
سند فزوده	: شیرزاد، امید،
بندی کنگره	: BF ۶۹۸/۳۵/۵۸۳ ۱۳۹۶
رده دی‌سی	: ۱۵۵/۲۳۲
شماره کتبی	: ۴۷۹۰۱۳۴

هرگونه تکثیر کامل یا غیرکامل از کتاب بدون اجازه پدیدآورنده یا ناشر خلاف قانون، شرع و اخلاق است.
معاونت تخلف را به دفتر مرکزی «مجد» گزارش فرمایید.

کمال‌گرایی و بی‌طرفی

مؤلفان: دکتر حسین رحمت‌الهی / دکتر امید شیرزاد

انتشارات مجد

چاپ اول: ۱۳۹۶ تعداد: ۵۰۰ نسخه

حق چاپ محفوظ و مندرج در «جد» است.

دفتر مرکزی مجد

تهران، میدان انقلاب تقاطع خیابان منیری جاوید و شهدای زاهدی، پلاک ۵۷ طبقه پنجم

تلفن و دورنگار: ۶۶۴۹۵۰۳۴ - ۶۶۴۱۲۰۷۸ - ۶۶۹۱۳۳۸۱

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۹۳-۸۲۹-۰

ISBN: 978-600-193-829-0

شعبه فروردین: خیابان ۱۲ فروردین، مقابل تعزیرات، پلاک ۲۸۳، طبقه دوم تلفن: ۶۶۴۹۰۹۹۸

شعبه اردیبهشت: خیابان اردیبهشت (منیری جاوید)، تقاطع شهدای ژاندارمری، پلاک ۵۹ تلفن: ۶۶۴۸۶۸۷۴

www.majdlaw.com

E-mail: info@majdlaw.com

کانال رسمی انتشارات مجد در تلگرام: @majdlaw

فهرست مطالب

پیشگفتار.....	۹
مقدمه.....	۱۱
بخش اول: کمال گرایی.....	۱۵
فصل اول: بنیان اخلاقی، اقسام و رویکردهای کمال گرایی.....	۱۷
مبحث اول: مفهوم شناسی.....	۱۷
گفتار اول: اخلاق فضیلت گرا، بنیان اخلاقی دولت کمال گرا.....	۱۸
بند اول: فلسفه فایده گرا (اخلاق پیامد).....	۱۸
بند دوم: اخلاق وظیفه گرا.....	۲۰
بند سوم: اخلاق فضیلت گرا.....	۲۲
گفتار دوم: ایده تقدیر (امر خوب) (امر بد) (برحق) (امر درست).....	۲۳
مبحث دوم: اقسام کمال گرایی.....	۲۶
گفتار اول: کمال گرایی قهری.....	۲۷
گفتار دوم: کمال گرایی غیرقهری.....	۲۷
مبحث سوم: رویکردهای کمال گرایی.....	۲۹
گفتار اول: کمال گرایی جامعه گرا.....	۲۹
گفتار دوم: کمال گرایی لیبرال.....	۳۰
گفتار سوم: کمال گرایی عینی.....	۳۴
گفتار چهارم: کمال گرایی دینی.....	۳۶
فصل دوم: مبانی نظری (ادلّه موجهه) کمال گرایی.....	۳۸
مبحث اول: تحقق زندگی مطلوب به مثابه امری اجتماعی.....	۳۸
مبحث دوم: هویت انسان، امری تابع غایات جمعی.....	۳۹
مبحث سوم: تکلیف دولت در قبال تحقق زندگی مطلوب.....	۴۱
مبحث چهارم: ضرورت کاستن از گسترش شر.....	۴۲
مبحث پنجم: مسئولیت اخلاقی جمعی و نقش آن در گسترش فضیلت.....	۴۳
فصل سوم: مبانی تاریخی کمال گرایی.....	۴۶
مبحث اول: عصر باستان.....	۴۶
گفتار اول: افلاطون.....	۴۷
گفتار دوم: ارسطو.....	۴۹
مبحث دوم: عصر میانه.....	۵۰

- ۵۰ گفتار اول: سنت آگوستین
- ۵۲ گفتار دوم: سن توماس آکویناس
- ۵۴ مبحث سوم: عصر جدید
- ۵۴ گفتار اول: فردریش هگل
- ۵۷ مبحث چهارم: جماعت گرایان معاصر
- ۵۹ گفتار اول: آلسدیر مک ایتتایر
- ۶۲ گفتار دوم: چارلز تیلور
- ۶۶ گفتار سوم: مایکل سندل
- ۶۸ گفتار چهارم: مایکل والزر
- ۷۱ مبحث پنجم: اندیشه سیاسی برخی متفکران شیعه
- ۷۲ گفتار اول: ابونصر محمد فارابی
- ۷۴ گفتار دوم: المأصدرا
- ۷۷ فصل چهارم: آثار کمال گرایی بر ساختار قدرت و حقوق عمومی
- ۷۷ مبحث اول: روح و نومۀ قانون اساسی کمال گرا
- ۷۸ گفتار اول: آرمان شهر گرایی
- ۷۹ گفتار دوم: تأثیر آرمانشهر گرایی بر قانون اساسی کمال گرا
- ۷۹ بند اول: بسیج امکانات و منابع مادی و انسانی برای نیل به آرمان مطلوب
- ۸۰ بند دوم: رواج پوپولیسم
- ۸۱ بند سوم: شناسایی رهبری کاریزماتیک
- ۸۳ بند چهارم: تجویز حزب واحد
- ۸۴ بند پنجم: دولت جهانی (جهان گرایی)
- ۸۴ مبحث دوم: ساختار قانون اساسی کمال گرا
- ۸۵ گفتار اول: نحوه سرشکنی قدرت و تفکیک قوا
- ۸۶ گفتار دوم: نحوه مشارکت مردم در اداره امور عمومی و انتخابات
- ۸۸ گفتار سوم: نظام حق ها و آزادی های اساسی
- ۹۱ فصل پنجم: ارزیابی انتقادی کمال گرایی
- ۹۱ مبحث اول: نقض خودآیینی
- ۹۳ مبحث دوم: اهانت به شهروندان
- ۹۵ مبحث سوم: نقض حقوق اقلیت ها
- ۹۶ مبحث چهارم: ایجاد الیگارشی
- ۹۷ مبحث پنجم: ناکارآمدی دولت در تشخیص الگوی خیر شهروند
- ۹۸ مبحث ششم: ایجاد بی ثباتی اجتماعی
- ۹۹ مبحث هفتم: افزایش هزینه های عمومی

۱۰۰	مبحث هشتم: ترویج برخی ناهنجاری های اخلاقی
۱۰۱	مبحث نهم: سوء برداشت کمال گرایان در فهم ایده مطلوب لیبرال ها
۱۰۵	بخش دوم: بی طرفی
۱۰۷	فصل اول: تعریف و مفهوم بی طرفی
۱۱۲	مبحث اول: موضوع بی طرفی
۱۱۳	گفتار اول: بی طرفی توجیه (دلیل)
۱۱۳	گفتار دوم: بی طرفی هدف
۱۱۴	گفتار سوم: بی طرفی نتیجه (پیامد)
۱۱۵	مبحث دوم: سطح بی طرفی
۱۱۵	گفتار اول: بی طرفی تمامی تصمیمات و اقدامات
۱۱۶	گفتار دوم: بی طرفی اصول اساسی
۱۱۷	مبحث سوم: نسبت بی طرفی به ارزش
۱۱۷	گفتار اول: بی طرفی در تئوری های خیر
۱۱۹	گفتار دوم: بی طرفی در قبال برداشت های اختلافی
۱۱۹	گفتار سوم: بی طرفی در قبال برداشت های دینی
۱۲۰	مبحث چهارم: اشخاص مشمول بی طرفی
۱۲۱	گفتار اول: بی طرفی حکومت (قوای سه گانه)
۱۲۱	گفتار دوم: بی طرفی کارگزاران حکومتی
۱۲۱	گفتار سوم: بی طرفی شهروندان
۱۲۳	فصل دوم: مبانی نظری بی طرفی
۱۲۳	مبحث اول: ایده تقدم حق (مرد درست) بر خیر (مرد خوب)
۱۲۶	مبحث دوم: دلایل موجهه بی طرفی
۱۲۶	گفتار اول: خودائینی افراد
۱۲۷	گفتار دوم: احترام و توجه برابر به افراد
۱۲۷	گفتار سوم: شک گرایی، تکثر گرایی و ذهنیت گرایی
۱۲۹	گفتار چهارم: مشروعیت قراردادی قدرت
۱۳۱	فصل سوم: مبانی تاریخی بی طرفی
۱۳۱	مبحث اول: جان لاک
۱۳۳	مبحث دوم: ایمانوئل کانت
۱۳۵	مبحث سوم: جان استوارت میل
۱۳۷	مبحث چهارم: جان راولز
۱۴۰	مبحث پنجم: رونالد دورکین

۱۴۳	فصل چهارم: شیوه های ممنوع ترویج خیر
۱۴۶	فصل پنجم: ارزیابی انتقادی بی طرفی
۱۴۸	فصل ششم: آثار بی طرفی بر ساختار قدرت و حقوق عمومی
۱۴۸	مبحث اول: احترام به حق ها و آزادی های اساسی
۱۴۹	مبحث دوم: دولت حداقل
۱۵۰	مبحث سوم: جامعه مدنی پویا
۱۵۰	مبحث چهارم: جلوگیری از تمرکز قوا و ارتقاء مسئولیت پذیری حکومت
۱۵۱	مبحث پنجم: شناسایی نظریه حاکمیت مردم
۱۵۲	مبحث ششم: صیانت از اصل حاکمیت قانون
۱۵۵	مبحث هفتم: امکان مقاومت در برابر قانون
۱۵۹	نتیجه گیری
۱۶۷	فهرست منابع و مآخذ

پیشگفتار

رویکردهای کمال‌گرایی و بیطرفی و آثار آنها در ساختار قدرت، حقوق عمومی و حکمرانی، دولت‌ها، بخشی از مباحث مربوط به درس «مکاتب کلامی-فلسفی حقوق عمومی» در دورهٔ دکتری، این رشته است. حقوق عمومی به عنوان نظام حقوقی حاکم بر روابط دولت و شهروندان با مطالعه و واکاوی کارکرد، ساختار، نقش و جایگاه دولت به تبیین و ترسیم محدوده‌های اقتدار دولت و آزادی فرد می‌پردازد.

در کمال‌گرایی و بیطرفی محور مباحث این مسأله است که آیا دولت حق و تکلیف دارد که در نهانی‌ترین زوایای زندگی شهروندان، روح انسان‌ها ورود کرده و به ترسیم خط‌مشی‌های زندگی مطلوب در حوزه‌های معنوی، هم‌چون دین، فرهنگ، هنر، اخلاق و تجربیات زیبایی‌شناختی بپردازد یا خیر؟

در طول تاریخ اندیشه، کمال‌گرایی دولت‌دوستانه در پهنه داشته و مبانی نظری آن از اندیشه‌های فیلسوفان یونان باستان نظیر افلاطون، ارسطو سرچشمه می‌گیرد؛ اما بیطرفی دولت پس از رنسانس و با ماکیاوولی آغاز و در دورهٔ جاکوبین اوج خود می‌رسد. در عین حال، تئوریزه کردن بیطرفی دولت مدیون اندیشه‌های جان ای. آیزنهاور و «نظریهٔ عدالت» و «لیبرالیسم سیاسی» اوست و با اندیشه‌های فیلسوفانی چون دورکیم اوج می‌گیرد. ورود این مباحث به ساحت اندیشه در حوزه‌های فلسفهٔ اخلاق و فلسفهٔ سیاسی باعث غنای آن شده و فیلسوفانی چون کیملیکا و نیگل با ارائهٔ نظریات خود به تعمیق آن کمک شایانی می‌کنند.

هرچند این دو مفهوم بطور پراکنده در آثار فلسفهٔ اخلاق و فلسفهٔ سیاسی ترجمه شده در ایران مطرح شده‌اند، اما عمومی کردن و سامان یافتن آن بی‌شک مدیون اساتیدی چون دکتر علیرضا حسینی بهشتی، دکتر محمد راسخ استاد برجستهٔ حقوق عمومی، دکتر سیدعلی محمودی و دکتر محمدرضا رفیعی است که راه ورود این مفاهیم را در ساحت اندیشهٔ ایرانی با نگارش کتاب، رساله و مقاله هموار کرده‌اند.

نگارندگان با ابراز امتنان از تلاش علمی نامبردگان، نخست تلاش کرده‌اند با تنظیم و دسته‌بندی ادبیاتِ پیشین این مفاهیم، آخرین اندیشه پردازی در این حوزه و مکاتب جدید همچون «جماعت‌گرایی» را ارائه دهند و همچنین کوشش نموده‌اند تا بدون قضاوتِ ارزشی در مورد این دو رویکرد، معایب، محاسن و آثار آنها در ساختار قدرت و حقوق عمومی را بررسی نمایند که در نوع خود، کاری جدید است.

بدیهی است در جهان امروز اتخاذ رویکرد مطلق کمال‌گرایی یا بیطرفی امکان‌پذیر نبوده و حکومت‌ها با توجه به اهتمام خود به نظام حق‌ها و آزادی‌های فردی و میزان توجه به آرمان‌ها و ارزش‌ها، ترکیبی از کمال‌گرایی و بیطرفی را با شدتی کم و بیش بر می‌گزینند.

اثر حاضر در عین حال که کتابی درسی است، بی‌تردید خوانندگان خاص خود را در حوزه عمومی خواهد داشت و با طرح مسائلی نو در حوزه اندیشه‌های سیاسی، حقوق عمومی، فلسفه اخلاق و فلسفه سیاسی، مباحث جدیدی را پیش روی صاحبان اندیشه خواهد گشود.

نویسندگان با اذعان به ناتوانی و بضاعت اندک علمی خود، دست‌یاری به سوی ارباب معرفت و صاحب نظران را برای تکمیل این اثر چشم به راه انتقادات و پیشنهاد‌های سازنده آنان هستند.

حسین رحمت‌الهی

امید شیرزاد

مقدمه

انسان بر اساس گرایش طبیعی خود و به منظور رفع نیازهای گوناگون، موجودی اجتماعی است. ضرورت های گریزناپذیر زیست جمعی برای وی، منتج به شکل گیری روابط اجتماعی، جوامع و انجمن های متعدد می شود. در این میان، جامعه سیاسی به عنوان سازمان یافته ترین اجتماعات انسانی، دربردارنده مؤلفه های کلیدی یعنی «قدرت سیاسی» است که با هدف تمسک به قدرت و اداره جامعه سیاسی از جانب نهاد دولت اعمال می شود.

بنابراین دولت ریشه در تاریخ زندگی اجتماعی بشر دارد و به عنوان «نهادی که تبعیت نهایی شهروندان خود را می طلبد و تحصیل استفاده مشروع از زور مادی در یک سرزمین معین را در اختیار دارد» (لاگلین، ۱۳۸۸، ص ۴۷)، وییتی منحصر به فرد را برای جامعه سیاسی نسبت به سایر جوامع و انجمن های انسانی به همراه می آورد. «اما این پدیده در طول تاریخ به اقتضای نیازها و ضرورت ها به لحاظ مفهومی، کارکرد، ساختار و نظریه تحول پیدا کرد. در ابتدا به شیوه تمثیلی، دولت ارگانیک طبیعی تلقی می شد؛ اما به تدریج انگاره مکانیکی بر پدیده دولت غالب شد و دولت به عنوان این ساخت بشر و ناشی از فعل ارادی او تلقی شد که کارویژه اصلی آن، تأمین نیازهای عمده انسان در زندگی اجتماعی است» (رحمت الهی، ۱۳۸۸، ص ۱۳).

به دیگر سخن، یکی از مهمترین زوایای تحول دولت در عرصه نظر و عمل، تحولات کارکردی است و مطالعه تاریخ اندیشه های اخلاقی و سیاسی دوران پیشامدرن و مدرن مؤید آن است که علاوه بر مسائلی چون نظریه حاکمیت، خاستگاه، مشروعیت و ساختار دولت، تحلیل کارکرد این نهاد نیز همواره از موضوعات مدنظر اندیشه ورزان سیاسی بوده است.

در حوزه کارکردی، دولت ها بر اساس وظایف خود باید با تأمین نظم عمومی، نیازهای همگانی را رفع کنند. برای پاسخ به این مهم، آنها با برنامه ریزی و ایجاد ساختارهای مناسب، اقدامات لازم را که جنبه مادی دارد، انجام می دهند. اما رفع نیازهای همگانی

- ولو بصورت مطلوب- تمامی ساحات زندگی یک فرد را تأمین نمی‌کند. هر فرد انسانی نیاز دارد مطلوب خود را از زندگی، خود تعریف کرده و براساس آنچه که وی آن را مطلوب دانسته یا «خیر» خود را در آن تشخیص می‌دهد، زندگی خود را در عرصه‌های مختلف سامان دهد.

این «برداشت از خیر» یا «زندگی مطلوب» نه تنها مادی نبوده، بلکه عمیقاً از درون لایه‌های ذهنی فرد نشأت گرفته و همچون باوری مقدّس، به زندگی او جهت می‌دهد. برداشت‌های خیر^۱ یا برداشت‌های زندگی مطلوب^۲، آن دسته از اهداف، افعال و روابط انسانی را که نهایتاً ارزشی خواستن دارند مشخص می‌کنند. دین، اخلاق، فرهنگ، هنر و تجربیات زیبایی، شناختی^۳ از جمله مقولاتی هستند که می‌توانند برداشت‌های زندگی مطلوب را برای افراد جامعه تعریف کنند. به عبارت دیگر، زندگی خوب شامل باورهای افراد بدعايات و اهدافی است که تلقی شخص از امور یا ارزش زندگی را مشخص کرده و بستر معنا بخش برای غایات وی فراهم می‌آورد.

به زعم جان رولز^۴، نید، ف برجسته معاصر: «برداشتی از امرخیر، خانوادهٔ بسامانی از غایات و اهداف نهایی است» که داشت یک شخص از امور یا ارزش در زندگی بشری یا زندگی کاملاً ارزشمند را مشخص می‌کند. عناصر چنین برداشتی معمولاً در آموزه‌های دینی، فلسفی یا اخلاقی جامع عینی وجود دارد و به وسیلهٔ آنها تفسیر می‌شود؛ آموزه‌هایی که غایات و اهداف گوناگون دربرپشته آنها، سامان و درک می‌شوند» (راولز، ۱۳۹۲، ب)، (ص ۴۶).

رونالد دورکین^۵ نیز «خیر» را با این تعبیر بیان می‌کند: «هر فردی کم و بیش از مفاهیمی پیروی و استفاده می‌کند که به زندگی ارزش می‌دهند. بهره‌مندی که زندگی فکری را با ارزش می‌داند از چنان مفهومی برخوردار است و همین طریقی است که آن بینندهٔ تلویزیون یا آن میگسار که می‌گوید: «زندگی همین است»؛ هرچند چنین کسی دربارهٔ موضوع کمتر فکر کرده و در تشریح یا دفاع از مفهوم نیز ناتوان است» (دورکین، ۱۳۷۴، ص ۷۰). بنابراین در یک کلام، برداشت‌های معطوف به زندگی مطلوب، تعیین کنندهٔ طرح و اجرای برد اساسی فرد برای بهزیستی اوست.

1- Conceptions of the good

2- Conceptions of the good life

۳- ذوق، پسند، سلیقه و علاقه فردی به پیکربندی و آرایش معینی از رنگ‌ها، نمه‌ها، فضاها و پدیده‌ها را می‌توان در حوزهٔ تجربیات زیبایی شناختی افراد قلمداد کرد.

4 - John Rawls (1921-2002)

5 - Ronald Dworkin (1931-2013)

برخی معتقدند همانگونه که دولت‌ها برای پاسخ به نیازهای متنوع مردم، مجموعه‌ای از اقدامات ایجابی و سلبی مادی را انجام می‌دهند، آنها وظیفه دارند در حوزه‌هایی همچون دین، اخلاق، فرهنگ، هنر و تجربیات زیبایی‌شناختی - با توجه به توانایی‌هایی که دارند - برداشت از خیر یا زندگی مطلوب را نیز با اقدامات قهری یا غیرقهری بر شهروندان تحمیل کنند. اینگونه دولت‌ها به زعم خود، درقبال رستگاری و سعادت مردم، خود را مسئول و محق دانسته و با هدف اشاعهٔ فضیلت و تربیت «شهروند خوب»، معتقدند معنای زندگی افراد را باید آنها تعریف کنند. غالب دولت‌ها در طول تاریخ، خود را در تأمین نیازهای توأمان مادی و معنوی شهروندان مسئول دانسته و به خصوص در حوزهٔ برداشت‌های خیر یا زندگی مطلوب، دوش دارند تا الگو و اهداف مورد نظر خود را بر مردم تحمیل کنند. استدلال این دولت‌ها این است که آنها مکلف به تأمین سعادت و رستگاری مردم هستند و چون تعیین الگوها، رستگاری و ارزش‌های سعادت‌ساز توسط مردم به دلایل مختلف ناممکن است، خود را در حال این امر مسئول می‌دانند. چنین دولت‌هایی را «دولت کمال‌گرا»^۱ می‌نامند.

دولت کمال‌گرا علاوه بر تأمین نظم و نیازهای مادی مردم، در حوزه‌هایی چون دین، اخلاق، هنر، فرهنگ و تجربیات زیبایی‌شناختی، با ارائهٔ الگوهای مطلوب خود از زندگی مردم را به دنباله‌روی و تبعیت از خود به رستگاری و سعادت قهری و غیرقهری وادار می‌سازد. چنین دولتی با ارائهٔ قرائتی رسمی از دین، گزاره‌های اخلاقی، هنر، سلاطین و پسند مردم، ضمن مسلط کردن اندیشهٔ خود در این حوزه‌ها، دیگر قرائت‌های تجربیات معنوی و برداشت‌های خیر را به حاشیه رانده یا سرکوب می‌کند.

«کمال‌گرایی»^۲ قدمتی دیرینه داشته و مبانی نظری آن به ارسطو و ارسطو - دو فیلسوف یونانی - می‌رسد که در هر دورهٔ تاریخی بازتولید شده تا به روزگار ما رسیده است. در نقطهٔ مقابل و در اغلب اندیشه‌های اخلاقی - سیاسی عصر جدید و دوران معاصر، رویکرد مخالف کمال‌گرایی تحت عنوان «بی‌طرفی حکومت درقبال خیر»^۳ شرح شده است. رویکرد یاد شده که حاصل تکامل ایده‌های سکولاریسم و لائسیسم می‌باشد، هنجارآفرینی، الگوسازی، گسترش و تحمیل برداشتی خاص از زندگی مطلوب توسط حکومت را رد کرده و بر محور ادله‌ای چون احترام به «خود آیینی» شهروندان و «تکثر ارزشی» موجود در جوامع مدرن، بی‌طرفی حکومت درقبال دین، اخلاق، فرهنگ، هنر و تجربیات زیبایی‌شناختی را تجویز می‌کند.

1 - Perfectionist State

2 - Perfectionism

بی‌طرف‌گرایان با اعتقاد راسخ به گزاره «دولت، شرّ گریزناپذیر»، وجود نهاد حکومت را جهت توزیع منابع و آزادی‌ها میان اتباع جامعهٔ سیاسی ضروری می‌دانند؛ ولی به دلیل داشتن نگاه منفی به حکومت و نگرانی از بروز استبداد و سلب آزادی افراد، محدوده‌های معین و حداقلی را برای حکمرانی ترسیم می‌کنند که اساساً به مقولهٔ خیر و باورهای معطوف به رستگاری و فضیلت راه نمی‌یابد.

اثر حاضر در راستای تحلیل مفهومی کمال گرایی و رویکرد مخالف آن - بی‌طرفی^۱ حکومت در قبال زندگی مطلوب شهروند و تأثیر آنها بر ساختارهای قدرت و حقوق عمومی - به رشتهٔ تحریر در آمده و بر آن است تا با واکاوی زوایای تاریخی، فلسفی، اخلاقی و جامعه‌شناختی کمال‌گرایی و بی‌طرفی، گام کوچکی در مطالعات میان رشته‌ای مرتبط با حقوق عمومی بردارد. با توجه به تقدّم کمال‌گرایی در عرصهٔ نظر و عمل، ابتدا به بررسی این رویکرد، انتقادات وارد بر آن و تأثیر آن بر ساختار قدرت، حقوق عمومی و تجلّی بارز آن در قانون اساسی می‌پردازیم و آنگاه بیطرفی دولت و آثار آن را بر ساختار قدرت، حقوق عمومی و قانون اساسی، مورد مطالعه قرار می‌دهیم.